خبر

بورل:

رای‌گیری علیه «کریم خان» خوش‌خدمتی به آمریکا و اسرائیل است

مسئول سابق سیاست خارجی اتحادیه اروپا برنامه دفتر روسای اجرایی دیوان بین‌المللی کیفری برای برگزاری یک رای‌گیری بر سر برکناری کریم خان، دادستان این دیوان با وجود آنکه یافته‌های قضایی او را از ارتکاب هرگونه خطایی مبرا دانسته است را رفتاری سیاسی خوانده و محکوم کرد.

به گزارش ایسنا، جوزپ بورل، دیپلمات ارشد پیشین اتحادیه اروپا، با انتشار بیانیه‌ای تند، رأی‌گیری برنامه‌ریزی‌شده برای برکناری کریم خان، دادستان دیوان کیفری بین‌المللی (ICC) را محکوم و آن را بخشی از «تهاجم گسترده» آمریکا و اسرائیل علیه این نهاد قضایی خواند.

مجمع کشورهای عضو اساسنامه رم قرار است ۲۴ ژوئیه (۲ مرداد) در مقر سازمان ملل در نیویورک، درباره آینده کاری کریم خان رأی‌گیری کند. این در حالی است که دفتر اجرایی این مجمع، متشکل از دیپلمات‌های ۲۱ کشور عضو، ماه گذشته میلادی با اکثریت دو سوم آرا مدعی «سوءرفتار جدی» از سوی خان شد.

«جوزپ بورل»، مسئول سابق سیاست خارجی اتحادیه اروپا تاکید کرد، این رای در راستای خوش‌خدمتی به ائتلاف آمریکا و رژیم صهیونیستی در مخالفت با عملکرد کریم خان و خصومت آنها با این دادستان ارشد دیوان به دلیل تلاش‌هایش برای صدور حکم بازداشت «بنیامین نتانیاهو»، نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی صادر شده است.

یک هیات قضایی که از سوی همین دفتر برای بررسی یافته‌های تحقیقات سازمان ملل منصوب شده بود، به این نتیجه رسید که شواهد علیه خان برای اثبات هرگونه تخلفی ناکافی است. کریم خان نیز هرگونه سوءرفتار یا قصور در انجام وظیفه را قویاً رد کرده است.

بورل با اشاره به تحریم‌ها و تهدیدات آمریکا علیه خان و سایر مقامات دیوان پس از تصمیم وی برای صدور حکم بازداشت مقام‌های ارشد رژیم صهیونیستی در مه ۲۰۲۴، تأکید کرد که پرونده خان «بخشی از یک تهاجم بزرگ‌تر علیه دیوان کیفری بین‌المللی» است.

وی در بیانیه خود نوشت: «نیازی به اعتقاد به تئوری‌های توطئه نیست تا هم‌سویی منافع میان رهبران آمریکا و اسرائیل را مشاهده کرد. دولت ترامپ و نتانیاهو یک هدف را دنبال می‌کنند: حصول اطمینان از اینکه هیچ دادگاه بین‌المللی نمی‌تواند متعرض سربازان، مأموران مرزی یا متحدان منتخب آن‌ها شود، صرف‌نظر از اینکه اتهامات جنایات جنگی و جنایات علیه بشریت چقدر جدی باشد.» بورل در ادامه افشاگری‌های خود که بخشی از آن پیش‌تر به‌طور انحصاری توسط میدل ایست آی منتشر شده بود، از تغییر رویه رأی‌گیری توسط دفتر مجمع کشورهای عضو پرده برداشت و گفت که آن‌ها فرآیند دو مرحله‌ای برکناری دادستان را به یک رأی‌گیری واحد و برخلاف قوانین خود دیوان تغییر داده‌اند. به گفته وی، «این یک تشریفات اداری صرف نیست؛ ادغام مسئله دوم در اولی - که مجدداً تأکید می‌شود اثبات نشده است - امکان برکناری را بر اساس اتهامی اثبات‌نشده فراهم می‌کند.»

دیپلمات ارشد پیشین اتحادیه اروپا ریشه‌های این پرونده را در آوریل ۲۰۲۴ ردیابی کرد، زمانی که گروهی از سناتورهای آمریکایی به دادستان هشدار داده و عملاً وی را تهدید کردند که صدور حکم بازداشت برای بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی، او را «خود به یک هدف» تبدیل خواهد کرد. با این وجود، کریم خان با شجاعت درخواست صدور حکم بازداشت برای نتانیاهو و یوآو گالانت وزیر جنگ پیشین رژیم صهیونیستی را ارائه داد. بورل در تمجید از این اقدام گفت: «خان شجاعت و صلابت لازم برای درخواست حکم بازداشت مظنونانی را نشان داده که در سال‌های اولیه تأسیس دیوان، دست‌نیافتنی تلقی می‌شدند. در شرایطی که عدالت کیفری بین‌المللی و حاکمیت قانون با یک تهاجم تمام‌عیار روبروست، او شایسته تقدیر و حمایت جهانی است.»

این دیپلمات پیشین اتحادیه اروپا با انتقاد از مقاله اخیر مارکو روبیو، وزیر امور خارجه آمریکا در وال‌استریت ژورنال که در آن از عزم دولت متبوعش برای برچیدن دیوان کیفری بین‌المللی «آجر به آجر» خبر داده بود، یادآور شد که واشنگتن پیش‌تر ۱۱ مقام ارشد این دیوان، از جمله کریم خان (دادستان کل)، دو معاون دادستان و هشت قاضی را تحریم کرده است.

استفاده زیاد از ابزار انسداد تنگه اهرم مهم تهران را مستهلک می‌کند؟

افزایش تلاش برای دورزدن هرمز

تجاوز نظامی آمریکا و اسرائیل علیه ایران و در پی آن انسداد و تنش‌های مداوم در تنگه هرمز، بازار جهانی انرژی و ساختار ژئوپلیتیک خاورمیانه را با تحولی بی‌سابقه روبه‌رو کرده است. این بحران که اکنون به پنجمین ماه خود نزدیک می‌شود، با فروپاشی آتش‌بس کوتاه‌مدت ماه ژوئن و از سرگیری درگیری‌ها، عملاً «وضعیت عادی» سابق در مبادلات انرژی را به تاریخ سپرده است.

در حوزه انرژی، کشورهای صادرکننده‌نفت در حال اجرای سناریوهای اضطراری برای به حداقل رساندن اتکا به هرمز هستند

به گزارش خبرآنلاین، ناامنی‌های مکرر ناشی از حملات آمریکا در منطقه، فروپاشی تفاهم‌نامه پایان جنگ میان ایران و آمریکا در کمتر از یک ماه و اصرار ایران بر تثبیت حاکمیت و کنترل بالفعل خود بر تنگه هرمز و استفاده از آن به‌عنوان یک اهرم امنیت منطقه‌ای، کشورهای عربی جنوب خلیج فارس و قدرت‌های بین‌المللی را به این جمع‌بندی رسانده است که اطمینان تجاری به این گذرگاه دیگر به راحتی باز نخواهد گشت.

نتیجه مستقیم این فضا، کاهش وزن راهبردی تنگه هرمز و جهش بی‌سابقه در سرمایه‌گذاری برای مسیرهای جایگزین زمینی و خطوط لوله است.

پروژه‌های چندملیتی و کریدورهای جدید تجاری

بحران هرمز تلاشی همه‌جانبه را برای ایجاد کریدورهای زمینی و انرژی از خلیج فارس به سمت دریای مدیترانه فعال کرده است. به گفته تحلیلگران اندیشکده شورای آتلانتیک، این مسیرهای موازی نه تنها وابستگی به هرمز را کاهش می‌دهند، بلکه پتانسیل بالایی برای ایجاد قطب‌های جدید اقتصادی در اردن و سوریه دارند.

در این راستا، تام باراک، نماینده رئیس‌جمهور آمریکا فاش کرده است که ایالات متحده برنامه‌ای را با هماهنگی سوریه، اردن، ترکیه، لبنان و مصر در دست اجرا دارد که هدف آن تبدیل تنگه هرمز به یک منطقه «فرعی» ظرف دو سال آینده است. به گفته این مقام آمریکایی، هدف نهایی این پروژه گذار از حمل‌ونقل دریایی سنتی از طریق آبراه‌های باریک به سمت مسیرهای جایگزین مبتنی بر اصل «تحویل احتیاطی» است.

وی همچنین از توسعه «کریدور میانی» سخن گفته که از طریق ترکیه، آذربایجان و ترکمنستان به آسیای مرکزی متصل شده و امکان انتقال حجم عظیمی از گاز به اروپا را فراهم می‌کند. به باور باراک، در این الگوی جدید، بخش‌های صنعتی و تجاری محرک اصلی توسعه هستند و دیپلماسی دولتی در برابر نقش این بازیگران اقتصادی در حال عقب‌نشینی است.

از سوی دیگر، سرمایه‌گذاری‌های موازی در سراسر منطقه شتاب گرفته است؛ عربستان سعودی در حال توسعه بندر نئوم (NEOM) به عنوان یک هاب لجستیکی و گسترش شبکه‌های ریلی خود به سمت دریای سرخ و اردن است.

هم‌زمان، امارات و عمان در حال تکمیل خط ریل مشترکی هستند که ظرفیت بنادر عمان را در خارج از دو گلوگاه هرمز و باب‌المندب ارتقا می‌دهد. بازآفرینی ابتکاراتی مانند کریدور اقتصادی هند-خاورمیانه-اروپا (IMEC) نیز مجدداً در کانون توجه قرار گرفته است، چرا که ارزیابی‌های شورای آتلانتیک نشان می‌دهد یک شبکه توسعه‌یافته از این کریدور (با مشارکت عمان، مصر و سوریه) می‌تواند بیش از ۶۰ درصد از ترافیک کانتینری پیش از جنگ در هرمز را جذب کند.

تنوع‌بخشی به مسیرهای صادرات نفت

در حوزه انرژی، کشورهای صادرکننده نفت در حال اجرای سناریوهای اضطراری برای به حداقل رساندن اتکا به هرمز هستند. عراق که دومین تولیدکننده بزرگ اوپک است، به دلیل صادرات عمده خود از بندر جنوبی بصره و محدودیت مسیرهای جایگزین، آسیب شدیدی از این جنگ دیده است؛ به طوری که تولید نفت آن در ماه ژوئن با افت ۵۰ درصدی نسبت به پیش از جنگ، به ۱.۹ میلیون بشکه در روز رسید.

باسم محمد خضیر، وزیر نفت عراق در گفتگو با خبرگزاری رسمی عراق (INA) اعلام کرد که دولت بغداد به طور جدی به دنبال متنوع‌سازی مسیرهای صادراتی برای کاهش وابستگی به تنگه هرمز است. به گفته وی، وزارت نفت عراق در حال مطالعه احداث یک خط لوله راهبردی از بصره به کرکوک و سپس به بندر جیهان ترکیه است و هم‌زمان امکان احداث شاخه‌ای از این خط لوله به سمت بندر بانیاس سوریه در ساحل مدیترانه را با مشارکت کنسرسیومی متشکل از شرکت‌های آمریکایی شورون، تی‌ای کپیتال و شرکت قطری UCC بررسی می‌کند.

مقامات وزارت خارجه آمریکا نیز تایید کرده‌اند که واشنگتن از تلاش عراق برای بازسازی این خط لوله شمالی عبوری از سوریه حمایت می‌کند.

هم‌زمان، امارات متحده عربی در حال ساخت خط لوله جدیدی است که ظرفیت صادرات نفت این کشور در خارج از تنگه هرمز و از طریق بندر فجیره در دریای عمان را به دو برابر افزایش می‌دهد. عربستان سعودی نیز بر اساس گزارش‌های منابع آگاه به رویترز، در حال بررسی افزایش ۲ میلیون بشکه‌ای ظرفیت خط لوله شرق به غرب خود به سمت دریای سرخ است. بر اساس تحلیل گلدمن ساکس، با تکمیل ۷ پروژه خط لوله در دست احداث یا برنامه‌ریزی‌شده در منطقه، ظرفیت خطوط لوله خاورمیانه تا پایان سال ۲۰۲۸ می‌تواند به بیش از ۱۴ میلیون بشکه در روز برسد که معادل بیش از ۶۰ درصد کل صادرات پیش از جنگ کشورهای خلیج فارس است.

صنعت بنادر و تغییر ژئوپلیتیک حمل‌ونقل دریایی

تاثیرات این بحران به صنعت بنادر نیز سرایت کرده است. به گزارش فایننشیال تایمز، شرکت اماراتی DP World (اپراتور بندر دبی) در حال مذاکره برای ساخت یک بندر چندمنظوره کاملاً جدید و یک ترمینال کانتینری در سواحل شرقی امارات (منطقه فجیره) در دریای عمان است. این اقدام با هدف کاهش وابستگی دبی به بندر نمادین «جبل علی» و دور زدن کامل تنگه هرمز صورت می‌گیرد. جبل علی که بزرگ‌ترین بندر کانتینری منطقه است، پس از بسته شدن تنگه توسط ایران، با افت ۹۰ تا ۹۵ درصدی فعالیت مواجه شد و حتی در اوایل جنگ هدف اصابت ترکش‌های ناشی از رهگیری موشک‌ها قرار گرفت.

اگرچه مقامات تاکید دارند جبل علی هرگز کوچک‌سازی نخواهد شد، اما انتقال ظرفیت به ساحل شرقی، یک چرخش دفاعی و ساختاری در اقتصاد امارات محسوب می‌شود. هم‌زمان، شرکت گلفتینر (Gulftainer) نیز برنامه‌ای ۲ میلیارد دلاری را برای توسعه ظرفیت بندر خورفکان در ساحل شرقی امارات آغاز کرده است.

آیا خطوط لوله و مسیرهای زمینی، مصون از تهدید هستند؟

با وجود تمام این تلاش‌های پرهزینه، تحلیلگران هشدار می‌دهند که اهرم تنگه هرمز به طور کامل ناپدید نخواهد شد. خطوط لوله موازی اگرچه ابزاری برای کاهش فشار آنی بازار هستند، اما خود در برابر حملات نامتقارن و ارزان‌قیمت به شدت آسیب‌پذیرند. جنیفر لی، تحلیلگر ژئوپلیتیک موسسه ریستاد انرژی، و باب مکنالی، بنیان‌گذار راپیدان انرژی، اشاره می‌کنند که مشکل اصلی تنها خودِ آبراه نیست؛ بلکه توانایی ایران و متحدانش در هدف قرار دادن تاسیسات پمپاژ، ایستگاه‌های پایانی و مخازن ذخیره‌سازی این خطوط لوله است. نمونه بارز آن، حمله به ایستگاه پمپاژ خط لوله شرق به غرب عربستان بود که جریان عبور نفت را ۷۰۰ هزار بشکه در روز کاهش داد. علاوه بر این، انحراف مسیرها به سمت دریای سرخ نیز اکنون با تهدید هماهنگ ایران و انصارالله یمن مواجه شده است. مقامات حوثی صراحتاً اعلام کرده‌اند که آمادگی دارند در هماهنگی با تهران، تنگه باب‌المندب را مسدود کنند؛ اقدامی که می‌تواند میلیون‌ها بشکه نفتی را که عربستان از طریق خطوط لوله به بندر ینبع در دریای سرخ منتقل کرده است، کاملاً بلوکه کند. دگرگونی در ترانزیت انرژی خاورمیانه آغاز شده و اهرم هرمز در حال مستهلک شدن است، اما امنیت انرژی جهانی همچنان در گروی ثبات سیاسی این جغرافیا باقی خواهد ماند.

از پیمان‌شکنی اجنبی تا تکیه بر دانش بومی

پشت پرده حمله به نیروگاه دارخوین

سرگذشت نیروگاه هسته‌ای دارخوین در حاشیه رودخانه کارون، آینه تمام‌نمای تاریخ صنعت هسته‌ای ایران است؛ روایتی پرفراز و نشیب که از آرزوهای بزرگ پیش از انقلاب آغاز می‌شود، از میان عهدشکنی‌های بین‌المللی و طوفان جنگ تحمیلی عبور می‌کند و در نهایت با تکیه بر خودباوری بومی به یک پروژه راهبردی تبدیل می‌شود. با این حال، تهاجم کور بامداد ۲۸ تیر ۱۴۰۵، بار دیگر این نگین درخشان خوزستان را به صدر اخبار جهان بازگرداند.

به گزارش خبرآنلاین، بر اساس بیانیه رسمی سازمان انرژی اتمی ایران، رژیم تروریستی و جنایتکار آمریکا در اقدامی تجاوزکارانه و وحشیانه که خلاف تمامی قوانین بین‌المللی است، در روز یکشنبه ۲۸ تیر ۱۴۰۵ حوالی ساعت ۳:۳۹ بامداد به وقت محلی، با تعدادی پرتابه به سایت در حال ساخت نیروگاه هسته‌ای دارخوین حمله کرد. این سازمان در بیانیه خود، این سایت را به عنوان یکی از نمادهای عزت و خودکفایی علمی ملت ایران توصیف و این هجوم ددمنشانه را به‌شدت محکوم نمود. تهاجم به این سازه غیرنظامی در حالی رخ داد که این پروژه اتمی، دوره‌های طولانی از فشار، تحریم و عهدشکنی غربی‌ها را پشت سر گذاشته بود.

نیم‌قرن فراز و نشیب؛ از رؤیای فرانسوی تا پیمان‌شکنی چینی

ریشه‌های تاریخی این نیروگاه به نیمه دوم دهه ۱۹۷۰ میلادی (دهه ۱۳۵۰ شمسی) بازمی‌گردد؛ زمانی که این منطقه به دلیل موقعیت استراتژیک جغرافیایی‌اش، برای احداث دو راکتور ۹۱۰ مگاواتی آب سبک تحت فشار با همکاری شرکت‌های فرانسوی انتخاب شد. اما تنها چند ماه پس از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۸، دولت فرانسه تحت فشارهای بین‌المللی و ایالات متحده، کار ساخت را به صورت یک‌طرفه متوقف کرد و از کشور خارج شد. این عهدشکنی در حالی رخ داد که ایران پیش از انقلاب، یک میلیارد دلار در شرکت غنی‌سازی فرانسوی یورودیف سرمایه‌گذاری کرده بود؛ ثروتی بزرگ که بعد از دبه کردن فرانسوی‌ها مسدود ماند، در حالی که امروزه بخش عمده‌ای از برق هسته‌ای فرانسه مدیون همان سرمایه‌گذاری تاریخی ایران است.

در دهه ۱۹۹۰ میلادی (۱۳۷۱ شمسی)، ایران تلاش کرد با امضای قراردادی با کشور چین برای ساخت دو راکتور ۳۰۰ مگاواتی، جان تازه به پروژه ببخشد؛ اما در سال ۱۳۷۴، چینی‌ها نیز تحت فشارهای سیاسی سنگین واشنگتن، پیش از آغاز هرگونه عملیات اجرایی قرارداد را رها کردند تا دارخوین برای سال‌ها به یک مخروبه مبدل شود. در پی ناامیدی از شرکای خارجی، سازمان انرژی اتمی ایران از تمام شرکت‌های فعال بین‌المللی دعوت به عمل آورد تا در مناقصه ساخت این نیروگاه شرکت کنند، اما علی‌رغم موافقت‌های اولیه، هیچ پاسخ مثبت رسمی به دعوت این سازمان داده نشد تا اراده کشور به سمت بومی‌سازی کامل متمایل شود.

رنسانس دارخوین؛ آغاز ساخت نیروگاه بومی کارون

پس از سال‌ها توقف، در ابتدای دهه ۱۴۰۰ پروژه دارخوین با نام جدید «نیروگاه اتمی کارون» وارد فاز اجرایی شد. در ۱۲ آذر ۱۴۰۱، عملیات احداث این نیروگاه ۳۰۰ مگاواتی با حضور محمد اسلامی، رئیس سازمان انرژی اتمی در زمینی به مساحت ۵۰ هکتار رسماً آغاز شد. برآورد مالی اجرای این طرح حدود ۲ میلیارد دلار و زمان تقریبی اجرای آن ۸ سال پیش‌بینی گردید. در این فاز اعلام شد که شرکت‌های داخلی با حداکثر توانمندی نسبت به ساخت تجهیزات مکانیکی ثابت، محفظه فشار راکتور و پمپ‌های خنک‌کننده مدار اول اقدام کرده‌اند.

رئیس سازمان انرژی اتمی در اسفند ۱۴۰۳ و در جریان آیین بزرگداشت سردار شهید حاج حسین خرازی در شهر دارخوین، با اشاره به پیشرفت قابل‌ملاحظه این پروژه اعلام کرد که احیای این طرح که به متروکه تبدیل شده بود، از دو سال گذشته با جدیت آغاز شده است. او دارخوین را سرزمینی طیب، طاهر و معطر به خون شهدا و قدمگاه رزمندگان هشت سال دفاع مقدس خواند که احیای صنعتی آن برای کل کشور اهمیت راهبردی دارد.

راز هراس غرب؛ بن‌بست حقوقی آژانس و خودکفایی ایران

ریشه تهاجم‌ها و فشارهای سیاسی علیه دارخوین را باید در گزارش‌های اندیشکده‌های غربی جستجو کرد. در مارس ۲۰۲۴، دیوید آلبرایت و محمدرضا گیوه در گزارش تخصصی اندیشکده ISIS (مؤسسه علم و امنیت بین‌المللی) با انتشار تصاویر ماهواره‌ای مکسار از فاز خاک‌برداری دارخوین، نسبت به این پروژه هشدار دادند. آلبرایت مدعی شد اراده ایران برای ساخت نیروگاه دارخوین نشان می‌دهد که آن‌ها در حال تبدیل شدن به سازنده تکنولوژی و صاحب فناوری راکتور هستند و اگر به این قابلیت برسند، این دانش و اقلام را به کشورهایی می‌دهند که غرب دوست ندارد؛ بنابراین جامعه بین‌المللی باید علیه آن اقدام کند.

این هراس فنی با یک بن‌بست حقوقی میان ایران و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نیز همراه شد. آژانس در گزارش فصلی فوریه ۲۰۲۴ خود، آغاز گودبرداری دارخوین را به عنوان نقض «نسخه اصلاح‌شده کد ۳.۱» ترتیبات فرعی موافقت‌نامه پادمان جامع اعلام کرد؛ کدی که کشورها را ملزم می‌کند به محض تصمیم‌گیری برای ساخت یک سایت، طراحی آن را به آژانس اعلام کنند. ایران اما با تأکید بر اینکه به دلیل تحریم‌ها و عدم پایبندی طرف‌های غربی به برجام، اجرای کد اصلاح‌شده را تعلیق کرده و به کد قدیمی متعهد است، اعلام نمود که اطلاعات طراحی را در زمان مقتضی (شش ماه پیش از تزریق مواد هسته‌ای) تحویل خواهد داد. این تقابل حقوقی و پیشرفت شبانه‌روزی پروژه با تکیه بر دانش ساخت داخل، دارخوین را به کابوس استراتژیک غربی‌ها بدل ساخت.

برآیند؛ مشعلی که خاموش نمی‌شود

نیروگاه دارخوین فراتر از یک سازه صنعتی برای تأمین برق منطقه، نماد عبور ایران از انحصار هسته‌ای غرب است؛ انحصاری که آمریکا تلاش دارد مانع ورود هر کشوری به چرخه مستقل سوخت و ساخت راکتور شود.

خبر

آمریکا نامحبوب شده است؟

پیام معنا دار جهان برای ترامپ و آمریکا

نتایج تازه‌ترین نظرسنجی مرکز پژوهشی پیو در ۳۶ کشور نشان می‌دهد تصویر جهانی آمریکا به پایین‌ترین سطح خود از سال ۲۰۰۲ رسیده است. این گزارش همچنین از کاهش اعتماد جهانی به دونالد ترامپ و افت جایگاه بین‌المللی ایالات متحده حکایت دارد.

نورنیوز-گروه بین‌الملل: نتایج تازه‌ترین نظرسنجی مرکز پژوهشی پیو (Pew Research Center) که با مشارکت بیش از ۴۲ هزار نفر در ۳۶ کشور جهان انجام شده، از تغییری چشمگیر در نگاه افکار عمومی جهان نسبت به ایالات متحده خبر می‌دهد. بر اساس این گزارش، محبوبیت آمریکا به پایین‌ترین سطح از زمان آغاز این نظرسنجی‌ها در سال ۲۰۰۲ رسیده است؛ موضوعی که نشان‌دهنده کاهش محسوس اعتبار جهانی این کشور در دو دهه اخیر است.

بر اساس یافته‌های این پژوهش، تنها ۳۷ درصد از پاسخ‌دهندگان دیدگاه مثبتی نسبت به آمریکا دارند، در حالی که ۵۷ درصد نگاه منفی خود را اعلام کرده‌اند. این آمار پایین‌ترین میزان محبوبیت آمریکا در تاریخ نظرسنجی‌های جهانی پیو محسوب می‌شود.

گزارش پیو نشان می‌دهد کاهش محبوبیت آمریکا تقریباً در تمامی مناطق جهان مشاهده می‌شود. در کشورهای اروپایی، آسیایی و آفریقایی از جمله ایتالیا، کره جنوبی، اندونزی، نیجریه، آفریقای جنوبی و ترکیه میزان نگاه مثبت به آمریکا نسبت به سال گذشته کاهش قابل توجهی داشته است.

در مقابل، اسرائیل با ۸۱ درصد همچنان بالاترین میزان نگاه مثبت به آمریکا را ثبت کرده است. پس از آن نیز کشورهایی مانند کنیا و غنا در میان کشورهایی قرار دارند که ارزیابی مثبت‌تری از آمریکا دارند، هرچند حتی در این کشورها نیز روند محبوبیت نسبت به سال‌های گذشته نزولی بوده است.

از سوی دیگر، ترکیه و مناطق فلسطینی از جمله مناطقی هستند که بیشترین نگاه منفی به آمریکا در آنها ثبت شده است. همچنین در کشورهای مهم اروپایی مانند آلمان، فرانسه، اسپانیا، هلند و سوئد نیز اکثریت شهروندان دیدگاه مثبتی نسبت به آمریکا ندارند.

یکی از مهم‌ترین بخش‌های این گزارش به ارزیابی جایگاه دونالد ترامپ اختصاص دارد. بر اساس نتایج نظرسنجی، تنها ۲۳ درصد از پاسخ‌دهندگان اعلام کرده‌اند که به توانایی دونالد ترامپ برای مدیریت مسائل جهانی اعتماد دارند و حدود دو سوم شرکت‌کنندگان اعتماد اندکی به عملکرد او ابراز کرده‌اند. این موضوع نشان می‌دهد اعتماد جهانی به ترامپ نیز همزمان با کاهش محبوبیت آمریکا افت کرده است.

پژوهش پیو همچنین نشان می‌دهد تنها ۳۵ درصد از پاسخ‌دهندگان معتقدند آمریکا نقش مؤثری در حفظ صلح و ثبات جهانی ایفا می‌کند. این شاخص نیز نسبت به سال‌های گذشته کاهش یافته و حتی در میان برخی متحدان سنتی واشنگتن مانند کانادا، استرالیا، لهستان، هلند و سوئد نیز روندی نزولی داشته است.

یکی دیگر از یافته‌های مهم این گزارش آن است که بسیاری از مردم جهان، آمریکا را دیگر شریک قابل اعتماد گذشته نمی‌دانند. پاسخ‌دهندگان معتقدند سیاست خارجی آمریکا بیش از گذشته بر منافع داخلی این کشور متمرکز شده و توجه کمتری به منافع سایر کشورها دارد.

در بخش دیگری از این نظرسنجی، جایگاه آمریکا با چین مقایسه شده است. نتایج نشان می‌دهد برای نخستین بار در اکثریت کشورهای مورد بررسی، تصویر عمومی چین از آمریکا مطلوب‌تر ارزیابی شده است. همچنین در تعداد قابل توجهی از کشورها، میزان اعتماد به شی جین‌پینگ از اعتماد به دونالد ترامپ بیشتر بوده است؛ هرچند سطح اعتماد به هر دو رهبر در مجموع بالا ارزیابی نمی‌شود.

در جمع‌بندی این گزارش، مرکز پژوهشی پیو تأکید می‌کند که کاهش محبوبیت آمریکا، افت اعتماد به دونالد ترامپ، کاهش اعتبار واشنگتن به‌عنوان شریک قابل اتکا و تضعیف تصویر این کشور در افکار عمومی جهان از مهم‌ترین یافته‌های این پژوهش است. این نتایج نشان می‌دهد آمریکا در یکی از دشوارترین مقاطع خود از نظر قدرت نرم و اعتبار بین‌المللی طی بیش از دو دهه گذشته قرار گرفته و این روند می‌تواند بر آینده روابط دیپلماتیک و میزان نفوذ جهانی این کشور تأثیرگذار باشد.

۲ شاخص ناکامی آمریکا در جنگ با ایران از نگاه عبدالباری عطوان

تحلیلگر سرشناس جهان عرب در یادداشتی با اشاره به آنچه «دو شاخص اصلی شکست آمریکا در جنگ با ایران» می‌خواند، نوشته است تحولات میدانی ۱۰ روز نخست درگیری‌ها از گرفتار شدن واشنگتن در یک جنگ فرسایشی حکایت دارد و حملات متقابل به پایگاه‌های آمریکا و زیرساخت‌های منطقه بخشی از این روند است.

به گزارش ایسنا، عبدالباری عطوان تحلیلگر سرشناس جهان عرب و سردبیر روزنامه رای الیوم در یادداشتی با طرح این پرسش که «دو شاخص اصلی که ثابت می‌کند آمریکا در ۱۰ روز نخست جنگ علیه ایران شکست خورده چیست؟ و چرا تمرکز حملات بر مبارمان پایگاه‌ها، تأسیسات آب و برق در کشورهای حاشیه خلیج فارس و همچنین پایگاه‌های هواپیماهای آمریکایی در اردن، سوریه و اقلیم کردستان عراق قرار گرفته است؟» به تشریح دیدگاه خود درباره روند جنگ میان آمریکا و ایران پرداخت. وی نوشت از همان روز نخست، نهاد نظامی آمریکا مخالفت آشکار خود را با قصد دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا برای آغاز حمله به ایران در منطقه خاورمیانه با هدف تسلط بر تنگه هرمز و کنترل کشتیرانی بین‌المللی در این آبراه نشان داد. فرماندهان نظامی آمریکا بر لزوم پایبندی کامل به مفاد دکترین جدید وزارت جنگ این کشور (پنتاگون) تأکید داشتند؛ دکترینی که بر پرهیز از رویارویی نظامی تا حد امکان تأکید می‌کند و در صورت اجتناب‌ناپذیر بودن جنگ، خواستار کوتاه، سریع و با کمترین خسارت انسانی و مادی بودن آن است. به نوشته وی، شمار زیادی از فرماندهان ارشد ارتش آمریکا مخالفت خود را با «بی‌پروایی ترامپ» و تأثیرپذیری وی از «کارزارهای گمراه‌کننده اسرائیل» اعلام کردند و این مخالفت‌ها به استعفا یا برکناری شماری از فرماندهان انجامید. تعداد مخالفان این سیاست، چه در ارتش و چه در دستگاه اطلاعات نظامی آمریکا، به بیش از ۲۵ ژنرال رسیده است. این تحلیلگر عرب در ادامه می‌نویسد: ۱۰ روز پس از آنکه ترامپ تفاهم حاصل‌شده با طرف ایرانی از طریق میانجی‌های پاکستانی را نقض کرد و بار دیگر گزینه نظامی را در پیش گرفت، نتایج اولیه این تصمیم در میدان نبرد نشان داده است که ارتش آمریکا «با چشمانی باز» در تله‌ای افتاده که ایران با دقت طراحی کرده و عنوان آن «جنگ فرسایشی بلندمدت منطقه‌ای» است. عطوان در ادامه می‌نویسد: دو شاخص وجود دارد که نشان می‌دهد ارتش آمریکا تاکنون نتوانسته در این جنگ پیروز شود و در مقابل نیز ارتش ایران شکست نخورده است. به گفته وی، نخستین شاخص، اذعان وزارت جنگ آمریکا مبنی بر افزایش شمار مجروحان نیروهای آمریکایی مستقر در منطقه خلیج فارس و خاورمیانه به ۴۲۷ نفر در طول ۱۰ روز گذشته درگیری‌ها است. وی دومین شاخص را بیانیه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران عنوان می‌کند. سپاه از انهدام دو نفتکش خبر داده که در مسیر جنوبی و غیررسمی تنگه هرمز بر اثر برخورد با مین‌های دریایی کارگذاری‌شده منفجر شده‌اند.

آگهی موضوع ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

هیات حل اختلاف مستقر در اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان پیرانشهر بشرح آرای صادره هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک پیرانشهر تصرفات مفروزی و مالکانه متقاضیان مشروحه ذیل واقع در پلاک ۱۷-اصلی بخش ۲۲-ارومیه روستای جران را تایید و رای به صدور سند مالکیت آنها صادره نموده که مراتب بشرح ذیل جهت اطلاع عموم آگهی میگردد.

۱.ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۵۳۰۶/۰۲ مترمربع تحت پلاک ۱۲۴ فرعی از ۱۷ اصلی روستای جران مورد تقاضای آقای اسعد مرادی بشماره ملی ۲۸۹۹۱۱۱۲۶۴برابر مدارک موجود در پرونده . ۲.ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۵۶۵۹/۵ مترمربع تحت پلاک ۱۲۵ فرعی از ۱۷ اصلی روستای جران مورد تقاضای آقای شفیع مرادی بشماره ملی ۲۸۹۹۰۸۵۴۴۱برابر مدارک موجود در پرونده . بنا به رای صادره در اجرای ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی و ماده ۱۳آئین نامه اجرایی آن مراتب در دو نوبت بفاصله ۱۵ روز جهت اطلاع عموم و مالکین مشاعی و سایر صاحبان حقوق آگهی میشود لذا در صورتیکه اشخاص به آراء صادره اعتراضی داشته باشند باید از تاریخ انتشار نوبت اول و در روستاها از تاریخ الصاق در محل تا دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت اسناد و املاک پیرانشهر تسلیم و رسید اخذ نمایند معترض باید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرات به تقدیم دادخواست به دادگاه محل نماید و گواهی تقدیم دادخواست را به اداره ثبت تحویل نماید و در این صورت اقدامات ثبت موکول به ارائه حکم قطعی دادگاه خواهد بود. درصورتیکه اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض گواهی مشعر بر تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی را ارائه نکند اداره ثبت مبادرت به صدور سند مالکیت مانع مراجعه متضرر به دادگاه نخواهد بود .

شناسه : ۲۲۰۹۰۸۵

تاریخ انتشار نوبت اول ۱۴۰۵/۰۴/۱۴

تاریخ انتشار نوبت دوم ۱۴۰۵/۰۴/۲۹

۲۰۴۵

برگ سبز سواری سمند سورن مدل ۱۳۹۱رنگ سفید شماره پلاک ۸۹۵د۳۷ایران ۴۹شماره موتور ۱۲۴K۰۰۲۳۹۴۹شماره شاسی NAACC۱CF۶CF۴۴۶۷۳۷به نام سعید بشارت جهان آباد مفقود گردیده وفاقد اعتبار می باشد.

برگ سبز سواری پراید به رنگ مشکی مدل۱۳۸۴ و شماره پلاک ۶۵د۳۹۱ ایران ۴۹ شماره موتور ۰۱۱۸۶۱۹۶ و شماره شاسی S۱۴۱۲۲۸۴۵۴۶۴۷۹ بنام یونس درخش مفقود و از درجه اعتبار ساقط می باشد

برگ سبز سواری پژو ۴۰۵رنگ نقره ای مدل ۱۳۹۰شماره پلاک ۹۱۸د۱۸ایران ۴۹شماره موتور ۱۲۴۹۰۰۵۴۴۸۸شماره شاسی NAAM۱۱CA۳BE۰۸۳۵۷۹ به نام جمال اسد مفرد مفقود گردیده وفاقد اعتبار می باشد